نقش راهبردي گفتگو در تقريب اسلامي

نقش راهبردی گفتگو در تقریب اسلامی

دكتر لاله افتخاري

نماينده مجلس شوراي اسلامي ايران

ب)ماهیت گفتگو:

چنانکه در مفهوم گفت و گو اشاره شد،چيستي گفت گو مبتني بر سه امر ميباشد:

اول:هويت ارتباطي گفت و گو

دوم:ابزار گفت گو

سوم:اجتماعي بودن گفت و گو

1-هويت ارتباطي گفت و گو:

نخستين امري كه با كاوش در ماهيت گفت و گو حاصل ميگردد،جوهره ارتباطي در اين مقوله است.گفت و گو در اساس نوعي از ارتباط بين انسان ها به شمار ميآيد.اگر عوامل ارتباط گيري انسان ها را از عواملي چون ايماء و اشاره،نقش و تصاوير ،اصوات و زبان و گفتگو و ساير ابزارهاي ديگر را مورد تأمل قرار دهيم،درمي يابيم كه اساسي ترين نحوه ارتباط بين جمع بشري از گفت و گو سرچشمه ميگيرد.به اين جهت از نظرگاه علمي امروزه گفت و گو نخستين نقش و چهره اش "ايجاد ارتباط" بين انسان هاست.به همين دليل بسياري نقش گفت گو در انتقال مقاصد را نقش اولين آن نمي دانند.همچنانكه جمعي از نظريه پردازان حوزه هاي روانشناسي و علوم ارتباطات به آن اذعان نموده اند:

«زبان در اصل در ميان مردمان ابتدايي و نامتمدن هرگز به عنوان آينه انديشه بكار برده نمي شد.» [3] .

«زبان در كاركردهاي ابتدايي اش به عنوان پيوند بين فعاليت هماهنگ،و بخشي از رفتار انسان عمل ميكند.زبان در اين كار يک شيوه عمل است،نه ابزاري براي تأمل»[4] .

همچنين مان در اصول روانشناسي نيز به اين مهم اشاره مينمايد كه :

«بيشتر موارد عمل متقابل آدمي ،شامل زبان ميشود كه ميتوان آن را در ساده ترين تعريف خود "ارتباط" با حركات و اشارات در سخن گفتن يا با كلمات موقع سخن گفتن يا نوشتن دانست»[5] .

از ديدگاه اين متفكران : « هر مكالمه جمعي ردپاي روش ها و معاني متمايز رفتار ارتباطي را در بر دارد.» [6].

به همين جهت گفت و گو از اصول جمعي زندگي بشري بوده و مهمترين رفتار ارتباطي انسان ها ميباشد.

«گفتار به علت عموميتش ،در بين انواع ارتباط ها،تقريباً جوهر زندگي ما موجودات اجتماعي به شمار ميرود»[7] .

در نتيجه هنگامي كه از چيستي گفت و گو سخني به ميان ميآيد،نخست "هويت ارتباطي" آن مطرح ميشود و بعنوان " رفتاري ارتباطي" بيان ميگردد،لذا گفت و گو از اين منظر داراي ماهيتي ارتباطي ميباشد.

2-ابزار گفت و گو:

گفت و گو پس از آنكه ذاتي ارتباطي دارد، ابزار ارتباط نيز ميباشد.گفت و گو مبتني بر زبان ميباشد. زبان از آغاز پيدايش و در مسير تكويني خو.د عامل و ابزار گفت و گو ميان انسان ها بوده و ارتباط گفتاري را پديد آورده است.

ارتباط گفتاري در طول تاريخ بشر،عامل مؤثري براي شناساندن مردم به يكديگر بوده و رفتاري دو طرفه بين انسانها ايجاد نموده است.در بستر اين ارتباط توليد مفاهيم، انتقال و دريافت ،تنظيم اطلاعات،پاسخ به انديشه ها و عقايد و گستره وسيعي از اين امور اتفاق ميافتد كه با بهره گيري از مهارت استفاده از زبان در زندگي انسانها ظاهر شده و نقش خود را نشان ميدهد.به همين دليل ارتباط گفتاري از اساس ترين مقوله هاي زندگي انسان به شمار ميآيد و به گفته جويس هرتزلو« اين ارتباط يک جريان اصولي اجتماعي است كه تمامي جريانات جامعه به عنوان يک نسل اجتماعي بدان متكي است.» [8]

«ترديدي نيست كه اينجا ما با نوع جديدي از كاربرد زبان روبه روييم.دوست دارم آن را "ارتباط عاطفي"بنامم.اين كاربرد نوعي از گفتار است كه در آن پيوندهاي اتحاد تنها با مبادله كلمات ايجاد ميشوند." [9]

از اين رو ،گفتار ارزشمندترين ابزاري است كه در اختيار انسان و جامعه اوست و متداول ترين عملكرد او را در عرصه اجتماعي بوجود ميآورد.

از سوي ديگر گفتار شامل عوامل و عناصري مختلفي است كه در قرابت ارتباطي فرد با ديگران به كار

گرفته ميشود.در قرابت ارتباطي را بطهاي متقابل با ديگران شكل ميگيرد كه مقدمه ،نتيجه و علت تأثير متقابل يا به عبارتي مراوده ميباشد و در مسير هدايت شده آن تبديل به ارتباط عاطفي وپس از آن شكل گيري اعتماد و ايجاد حسن ظن و نگاه مثبت و همراه با پذيرش متين افراد طرف گفت و گو ميشود.

بديهي است اين امر در صورتي محقق ميگردد كه گفتار در مسير صحيح شكل گيرد و در غير اين صورت نتيجه عكس بوده و منجر به تضاد،دوري و حتي برخورد ميان افراد و جوامع خواهد شد.شايد به همين جهت است كه در روانشناسي گفتماني توجه ويژهاي به كنترل و مديريت معاني در گفتارها و گفتمان ها ميشود.در گذشته روان شناسي جريان گفتمان را بيان افكار،مقاصد و ساختارهاي شناختي ميدانست ولي اينک روان شناسي گفتماني در اين دگرگوني و تحولي تكاملي را پديد آورده كه در آن «آغاز كار با خود گفتمان و ملاحظه اين كه چگونه همه آن مفاهيم احتمالاً مقدم و مستقل ذهن ،قصد،انگيزه و غيره متناسب سازي ،مقوله بندي و به شيوه هاي غيرمستقيم تر در درون خود گفتمان،كنترل و مديريت ميشوند.» [10]

بنابراين زبان و گفتار بعنوان ابزار گفت و گو داراي شاخصه هاي زير است:

الف)ابزاري ارتباطي بين انسانها است.

ب)براي انتقال معاني ،مقاصد و انديشه هاست.

ج)داراي ساختار و نظام خاصي است كه در گفتمان هدايت و مديريت ميشود.

3-اجتماعي بودن گفت و گو:

گفت و گو با تكيه بر هويت ارتباطي خود عامل مبادله اجتماعي ميباشد.اين خصيصه گفت و گو ريشه در طرفيني بودن آن دارد.از اين منظرگفت و گو از يک سو عامل پيوند ،جمع گرايي و اتصال انسان ها به يكديگر بوده و از سوي ديگر وسيله انتقال انديشهاي ميباشد.از اين رو ميتوان گفت و گو را بعنوان يكي از راهبردهاي اساسي ايجاد مناسبات انساني و تبادل نظر بشر دانست. علت آن هم قرابت گفت و گو با تمايلات فطري انسان به جمع گرايي و جمعي بودن است.چنانكه مالينوسكي بدان اشاره ميكند:«به نظر من ،ما در بحث درباره كاركرد گفتار در معاشرت هاي اجتماعي به يكي از جنبه هاي بنيادين طبيعت انسان در جامعه ميرسيم در همه انسانها تمايل آشكار به معاشرت ، به باهم بودن، به لذت بردن از همراهي با هم،وجود دارد..حال گفتار رابطه تنگاتنگي با اين تمايل دارد.» [11]

وي همچنين ميگويد:رو هر سخني عملي است با هدف مستقيم نزديک كردن شنونده به گوينده از طريق احساس اجتماعي با ديگران بودن.»[12]

بديهي است به همين علت اين مناسبات عامل مؤثردر همگرايي اجتماعي و تقريب بين انسان ها ميباشد.در متون ديني نيز از گفت و گو بعنوان يكي از محورهاي تفاهم و تقريب بين انسان ها ياد ميشود و از عوامل تقويت جمع گرايي و رشد تكامل اجتماعي او محسوب ميشود.

ج)نقش ارتباطي و راهبردي گفت وگو:

"گفتگو" از مباحثي است كه در علوم مختلف مورد بحث قرار دارد. شايد ميتوان گفت اين موضوع از مباحث ميان رشتهاي بوده و به همين جهت از ديدگاه علوم مختلف اجتماعي چون ارتباطات ،جامعه شناسي ،روان شناسي ، زبان شناسي و همچنين حوزه هاي ديني مورد توجه قرار گرفته است .وجه تشابه و مشترک گفت وگو در اين علوم همان ماهيت ارتباطي گفت وگو است كه از زاويه ديد و نگاههاي مختلف بررسي شده است.چنانكه در نظريات ارتباطات ،گفت وگو را نظامي براي رفتار ارتباطي ميدانند.در حقيقت يكي از اساسي ترين كاركردهاي گفت و گو ايجاد ارتباط با ديگران وايجاد يک دنياي اجتماعي مشترک است.دنيايي كه در آن گفتارها قابل پذيرش بوده و از مقبوليت لازم برخوردار باشند. لازمه مقبوليت نيز آن است كه رشتهاي از مباحث منطقي و ارايه استدلال هاي كاربردي را در بر گيرند.زيرا گفتار مؤثر آن است كه در متن آن فهم مشترک پديد آيد و گرايش به سوي توافقي كه به شكل عقلاني درباره آنچه مبادله ميشود،بوجود آمده باشد.

نكته مهم آنكه توافق را نمي توان بريكديگر تحميل نمود و گروهي آن را بر گروه ديگر بصورت ابزاري يا راهبردي يا از راه تأثير غيرمستقيم ديكته نمايند؛ حتي در صورت تحميل ،تأثير گفت و گو از بين ميرود. تنها در صورتي نقش ارتباطي و راهبردي گفت و گو مؤثر است كه گفت و گو كنندگان به شيوه هاي تعاملي حركت كرده و شرايطي مبتني بر همكاري و همراه با ارتباط روشن و معيني را فراهم آورند.در اين مسيرتوجه به نكات زير حائز اهميت است.

1-همكاري و افق مشترک :گفت و گو بايد با شيوه هاي مبتني بر همكاري باشد و برنامه ريزي و انجام آن براساس تفسيرهاي مشترک و افق مشترک شكل گيرد.

2-فهم مشترک:طرف هاي گفت و گو بايد براساس موقعيت ها و همكاري همديگر ،فرآيندهايي براي رسيدن به فهم مشترک تلاش جدي و مشتاقانه داشته باشند.

3-ايجاد تعهد و الزام براي يكديگر:طرف هاي گفت و گو بايد از آثار و تعهد برانگيز و پيشنهادهاي الزام آور براي يكديگر استفاده نموده و شرايط تحقق معتبر براي آن ايجاد كنند.

در اينجا گفتارها نقشي ارتباطي يافته و موجب انگيزش مناسبي در گروههاي گفت و گو كننده ميشود كه درآن زمينه دستيابي به فهم منطقي و فرآيند زباني رسيدن به فهم هماهنگ و عمل هماهنگ شكل ميگيرد .بنابراين نتيجه كار ايجاد ارتباط واقعي خواهد بود كه در آن توافق گروههاي مشاركت كننده در تعامل به توافق ميرسند.

د-گفت و گوي مؤثر:

گفت و گو در نقش ارتباطي خود زماني تأثيرگذار است كه داراي ويژگي هاي ارتباطي مؤثر زير باشد:

1-داراي پيام و هدف باشد.

2-طرف هاي گفت و كو احساس رضايت داشته باشند.

3-طرف هاي گفت و گو براي ارتقاء و رشد يكديگر تلاش كنند.

همچنين در گفت و گوي ارتباطي و راهبردي اصولي حاكم است كه در صورت تحقق آنها يک جريان واقعي در مسير همدلي ،افق مشترک و فهم مشترک پديد ميآيد كه در نهايت منجر به تقريب و وحدت ميگردد.

اصول گفت و گوي مؤثر عبارتند از :

1-گفت و گو رايک فرآيند بدانيم

از اين منظر گفت و گو عبارت است از "گفتارها و رويدادهاي به هم پيوسته ،به هم وابسته و قابل تشخيص كه در مسير هدفي مشخص شكل ميگيرد."

2-آنچه در مبادلات گفتماني و گفت و گو منتقل ميشود نتيجه تأثيرهاي متقابل است.در اين جريان به غير از محتوا شرايطي مانند فضا،حالات،ادبيات و شيوه هاي گفت و گو وساير موارد هم داراي اهميت هستند.

3-همدلي براساس شناخت مخاطب از اصول ديگر گفت وگوي ارتباطي و راهبردي است ، نتيجه همدلي ايجاد مراوده و حالت عاطفي و در نتيجه نزديک شدن گفت و گو كنندگان به يكديگر است.همدلي بر دو اصل و پايه استوار است:

اول:شناخت مخاطب در سه شكل عام،خاص و موردي

دوم:انعطاف در روش كه اگر از روش كه اگر از روشي بهره گرفته شد و تأثير لازم ايجاد نشد از روش و شيوه ديگري بايد استفاده نمود تا احساس مشترک حاصل گردد.

هـ- گفتگو و تقريب ديني :

گفتگو فرايند و جرياني پيوند آفرين است و نقش مهم آن ايجاد ارتباط، همدلي و همگرايي در بين جامعه بشري ميباشد .از سوي ديگر پايه و اساس گفتگو بر اساس ايجاد فهم مشترک و تفاهم متقابل است .بطور طبيعي سير تكويني گفت وگو با ادامه و تكرار تفاهم و درک متقابل و در گام هاي بعدي سبب شكل گيري مشتركات و همساني فرهنگي شده و در تداوم آن همگرايي و ايجاد فهم مشترک گرديده و پديده تقريب و وحدت در آن شكل ميگيرد .

در تقريب ديني نيز اين الگوي كلي گفت وگو جريان دارد . در هر ديني پيروان فرق و مذاهب آن در فرايند گفتمان ميتوانند با همكاري متقابل و ايجاد افق مشترک به سوي فهم مشترک بر اساس اصول و مشتركات ديني و مورد توافق دست يافته و در تداوم اين مسير به تفاهم و ارتباط واقعي و راهبردي برسند .نتيجه اين ارتباط و پيوند تكاملي ايجاد همساني و پس از آن همگرايي و در نهايت ايجاد وحدت بر پايه دين خواهد بود كه اين وحدت در عين كثرت و تفاوت در مذهب ،پديد ميآيد.

بنابراين الگوي كلي گفتگوي تقريبي به شرح نمودار زير ترسيم ميگردد:

گفت و گو

↓

افق مشترک (همکاري متقابل)

↓

فهم مشترک (توافق)

↓

تفاهم

↓

همساني

↓

همگرايي

↓

وحدتو- گفت وگو و تقريب مذاهب اسلامي

اسلام با تکيه بر «واعتصموا بحبل ا جميعاً و لا تفرقوا»[13] شالوده حرکت جمعي و همگرايي درون ديني را از آغاز را پديد آورده است .به همين دليل حرکت ديني از ديدگاه اسلامي بر پايه امت سازي و پرهيز از تشتت و تفرقه بنيان نهاده شده است.تعابيري که در سراسر تعاليم و اعتقادات اين دين بزرگ موج ميزند و واژگاني چون «يا ايها الذين آمنوا» که به فراواني در آيات و سنت شريف نبوي يافت ميشوند،همگان در جهت سوق دادن جامعه اسلامي به سوي آرمان امت واحده و حرکت توحيدي است.با توجه به اين رويکرد کلي،اسلام نگاهي عميق به شيوه هاي وصول به هدف امت واحده دارد و گفت و گوي ارتباطي،از راهبردهاي مهم اسلام در اين مسير ميباشد. از ديدگاه اسلام گفت وگو بين انسانها و جوامع مختلف ، اديان و گفت و گو هاي درون ديني از اهميت فراواني برخوردار است و يکي از ابزارهاي کاربردي وحدت در جامعه ديني ميباشد . از نکات بارز ويژگي هاي تحسين برانگيز گفت وگو در اسلام ، نگاه عالمانه و منطقي اسلام به اين مقوله است. قرآن به اين مبحث مبحث گفتگو را در قالب قول ، جدل و حوار 559 بار [14] مطرح کرده است . اهتمام قرآن به اين مبحث نشانگر نقش راهبردي گفتگو و تاثير آن در تکامل اجتماعي انسان ميباشد . آياتي که گفتگو را با تأکيد برنقش ارتباطي و راهبردي آن مطرح ميکنند ، نمونه هاي بارز اين جريان ميباشند، چنانچه اشاره شده:

- « ادع الي سبيل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتي هي احسن ، مردم را با حکمت و اندرز نيکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترين شيوه با آنها مجادله کن... » [15]

- «وقل للعبادي يقولوا التي هي احسن ،و بگو به بندگانم که با بهترين روش با يکديگر سخن بگويند...» [16]

- «و لاتجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن ، با اهل كتاب مجادله نكنيد مگر با نيكو كار ترين روش...» [17]

- الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه ، كساني كه به سخن گوش فرا دهند و از بهترين آن پيروي ميكنند...»

در اين آيات چند اصل اساسي مشاهده ميشود :

1-گفت وگو يک فرايند و جريان اجتماعي تعاملي است .

2-گفت وگو بر اساس حكمت منطق و استدلال شكل ميگيرد .

3-گفت وگو بر اساس "موعظه حسنه "،"عدم مجادله" و يا " استماع قول" مبتني بر درک متقابل و ترسيم افق مشترک براي دستيابي به هدايت و تكامل بشر ميباشد.

4-گفت وگو بر مبناي شيوه احسن يا بهترين مسيري شكل ميگيرد كه منجر به اقناع و تفاهم با مخاطبان ميشود.

از اين رو گفت وگو از ديدگاه اسلام در جهت تفهيم و تفاهم،اقناع و وسيله اثرگذاري و رفتارهاي سازنده متقابل بوده و هدف آن دستيابي به حقيقت ميباشد.

در حقيقت بهره گيري از منطق گفت و گو در اسلام فراخواني عمومي است همگان را به رفتارهاي انساني،جمعي و منطبق بر انديش دعوت مينمايد.

ز-گفت و گو، راهبرد تقريب اسلامي:

در مباحث گذشته آشكار شد كه در عرصه انديشه و مكتب اسلام گفت و گو جرياني تعاملي ميباشد كه در پرتو آن ارتباط راهبردي در سطح جامعه اسلامي شكل ميگيرد.از اين ديدگاه مباني و انديشه هاي اسلامي با تجارب علمي در مسيري واحد و زمينه هاي مشترک و نزديک به يكديگر قرار دارند.چرا كه در نظر گاه مشترک علوم اجتماعي ، انديشه اسلامي،گفت و گو بر پايه ميل فطري با هم بودن و تمايل بنيادين طبيعت انساني به جمعي بودن بوده و از راهبردهاي مؤثر در ايجاد مناسبات انساني ميباشد.

همچنين بر اساس الگوي كلي گفت و گو در نقش ارتباطي و تقريبي آن،مي توان فرآيند گفتگوي تقريبي را براي حركت به سوي هدف والاي امت واحده اسلامي ترسيم كرد و آن را بعنوان يكي از راهبردهاي اساسي تقريب بين مذاهب و فرق اسلامي تبيين نمود.در اين مسير بايد گفت و گوي راهبردي را با تكيه بر الگوهاي علمي تقريب ورت يک سيستم منسجم و منظم در سطح جوامع اسلامي طرح نمود و در بستر آگاهسازي و فرهنگ سازي در ميان ملت هاي مسلمان اشاعه داد و ترويج نمود.آن چنانكه گفت و گو به عنوان يک سنت حسنه اسلامي بر مبناي فرامين و آموزه هاي قرآني شكل گيرد و در مقابل از مجادلات بي حاصل و تفرقه برانگيز پرهيز گردد.

براي فرهنگ سازي و ايجاد سنت اسلامي گفت و گو دو حركت اساسي را بايد گسترش داد:

او:لآگاهسازي توده ها و ملت هاي مسلمان از طريق مجامع حوزوي و دانشگاهي ، علما و روشنفكران و نخبگان و شخصيت هاي مؤثر اجتماعي و فرهنگي

دوم:گسترش گفت و گو در سطح جوامع اسلامي و ملت هاي مسلمان

گسترش علمي و اشاعه منطق گفت و گو بين مسلمانان دو جهت مهم دارد:

1-گسترش كمي و اشاعه گفت و گو در سطح محلي،ملي، منطقهاي و جهان اسلام

2-ساماندهي و سازماندهي سيستمي گفت و گو در فرآيندي مشترک و با مباني مشترک

از اين منظر ميتوان سامانه گفت و گوي راهبردي تقريب اسلامي را بر اساس محورهاي زير ترسيم نمود:

الف:گفت و گوي تقريبي درون مذهبي در هر كشور (سطح محلي)

ب:گفت و گوي تقريبي مذاهب در هر كشور(سطح ملي)

ج:گفت و گوي تقريب مذاهب منطقهاي (سطح منطقه اي)

د:گفت و گوي تقريب مذاهب جهان اسلام(سطح جهاني)

نقش راهبردي گفت و گو در مسير تقويت و تحكيم جريان تقريبي مذاهب جهان اسلام ميتواند در قالب هاي گفت و گوهاي چهارگانهاي كه اشاره شد ، منجر به ايجاد مركزيت و سامانه مديريتي و هدايت بخش گفت و گوهاي تقريبي شود و اين نياز ضروري شجره طيبه تقريب در دوره هاي پيش روي خود و در آينده ميباشد.زيرا حركت تقريبي معاصر جهان اسلام پس از شكل گيري در دهه پنجاه ميلادي تاكنون به دستاوردهاي بزرگي در عرصه هاي آموزشي در مجامع بزرگ ديني و دانشگاهي ،ايجاد شعبه "التقريب بين المذاهب اسلاميه" از سوي مجمع فقه اسلامي درجده ها ، ايجاد مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي و سرانجام برگزاري كنفرانس ها و همايشهاي فراوان تقريبي نائل آمده است.آنچه اينک در جريان تقريب ،جامعه اسلامي بدان نيازمند ميباشد "نگرش راهبردي به گفت و گو"و پس از آن "ساماندهي نشست ها و گفتمان ها "است.

نتيجه آنكه :

1-براساس آموزه هاي اسلامي ضروري است گفت و گو بعنوان راهبردي مهم در سطح جهان اسلام بمنظور تقريب مذاهب اسلامي پذيرفته ميشود.

2-گسترش گفت و گوها براساس سلسه مراتب و حلقه هاي بهم پيوسته در سطح مناطق مختلف و كشورهاي اسلامي سازماندهي و ساماندهي شوند.

3-مطالعات و تحقيقات تقريبي و گفتمان هاي تقريبي در مراكز علمي و حوزوي مناطق اسلامي براي غنا بخشيدن و توسعه گفت و گوها گسترش يابد .در اين بخش توجه به اقشار مختلف اجتماعي بويژه زنان با توجه به نقش تربيتي آنان در فرهنگ سازي جامعه حائز اهميت است.

4-شوراي مشورتي يا مجمع و يا دبيرخانهاي مركزي براي هدايت، مديريت ، تقويت و پشتيباني و گفت و گوهاي مذاهب اسلامي تأسيس و ايجاد گردد تا مسئوليت ساماندهي و گسترش فرهنگ گفت و گوي تقريبي را

راهبري نمايد

---

[1]- لغت نامه دهخدا،ج(1)،ص169283 .

[2]- فرهنگ معين،ج ،ص 3333-3334 .

[3]- نظريه های ارتباطات،ج 1،ص 578.

[4]- نظريه های ارتباطات،ج 1،ص 578.

[5]- اصول روانشناسي،ج 2؛ص 280.

[6]- نظريه پردازی ارتباطات ميان فرهنگي،ص59.

[7]- ارتباط گفتاری ميان مردم،ص 17 .

[8]- ر.ک.همان منبع .

[9]- نظريه های ارتباطات ،ج 1 ، ص 582.

[10]- همان منبع،ج 4 ،ص 653.

[11]- همان منبع،ج 1،ص 580 .

[12]- همان منبع ، ج 1، ص 582.

[13]- قول 527 مورد ، حوار 3 مورد و جدل 29 مورد در قرآن ذکر شده‌اند.

[14]- نحل /125 .

[15]- اسراء /53 .

[16]- عنكبوت/46.

[17]- زمر / 18.

مقدمه

مقوله گفتگو پيوندي عميق با انسان دارد.ماهيت گفتگو آن را از آغاز آفرينش همراه و همزاد آدمي قرار داده است.در واقع پديده گفتگو در هنگام ارتباط، تبادل انديشه و مقصود و از آن زمان كه آدمي از فرديت به زوجيت رسيد،نقش كليدي خود را درپيوند انسانها در گونه هاي مختلف آن چون ارتباط عاطفي، معيشتي، اجتماعي، آموزشي، تربيتي و رفتاري و غيره نشان داده است.بديهي است با رشد و تكامل اجتماعي و ايجاد قبايل و طوايف،شعب و ملت ها ،جوامع مختلف،اديان و مذاهب نقش گفتگو نيز تغييرات بنيادي يافته و در اشكال متعالي تر و پيشرفته مطرح گرديده و يكي از اساسي ترين شيوه هاي انتقال نظرات و ديدگاههاي انسان شد.چنانكه امتداد همين مسير و در عصر جديد مقوله گفتگو در قالب هاي مهمي چون گفتگوي مذاهب،گفتگوي اديان،گفتگوي تمدن ها و امثال آن تجلي يافته و منشاء همگرايي و تقريب جوامع و انسان ها شده است.از سوي ديگر در عصر جديد بويژه هرچه به دوره تكامل عقلاني و فرهيختگي بشري نزديک ميشويم،گفتگو نقش گسترده تر و قوي تري يافته است.مسيرجهاني تنازع و رقابت منفي به مشاركت و رقابت مثبت ،از جنگ سخت به جنگ نرم،از ديپلماسي كلاسيک به ديپلماسي عمومي و ساير مؤلفه هاي جديد در جهاني شدن،عنصر گفتگو را به عامل كليدي و مؤثر و عنصري راهبردي تبديل نموده است.اينک با توجه به نقش راهبردي گفتگو در دوره معاصر در اين كنفرانس چگونگي تأثيرگذاري آن بعنوان راهبردي اسلامي در عرصه تقريب مذاهب ميپردازيم.

الف)ريشه گفتگو:

گفت و گو واژهاي ديرپا است كه از نظر اهل لغت در معناي مباحثه ،مجادلهـ،گفت و شنود[1] ، مكالمهـ،صحبت[2] آمده است .ريشه لغوي گفت و گودر واقع همان"سخن با يكديگر"و "گفت و شنود" ميباشد.در اصلاح نيز گفت و گو ريشه در معناي خود دارد و عبارت از "نوعي از ارتباط انسان ها با كلام و الفاظ"است اين معنا در قالب واژگان مختلف و، مرتبط ، در هر زباني وجود دارد كه عليرغم اختلاف

لفظي با اين واژه ،مشترک معنوي با آن هستند و از لحاظ محتوا داراي تشابه و يکساني کلي ميباشند. در تعريفي دقيقتر ميتوان گفت "گفت و گو فرايندي است که در آن دو يا چند فرد يا گروه به مبادله اطلاعات براي دستيابي به فهم مشترک و تفاهم متقابل با يکديگر يا تفاهم اجتماعي براي جامعه خود،مي پردازند." نتيجه آنکه گفت و گو داراي چند خصيصه است:

1- يک فرآيند و جريان است.

2-در آن افراد يا گروهها مشارکت کننده وجود دارد.

3-در آن مبادله اطلاعات اتفاق ميافتد.

4-داراي غايت و هدف است مثل فهم مشترک.